

شماره «ایرانی‌ها»

هشت هزارمین شماره انتشارمان خود را مدیون شما - خوانندگان روزنامه - می‌دانیم. شما که صبوره در کنارمان ایستادید و اجازه ندادید گرانی کاغذ و مجازی زدگی، حتی یک روز از انتشارمان را متوقف کند. ما در این چند دهه در کانون و کوران رویدادها و اتفاقات، محکم ایستادیم، یاد گرفتیم و آموختیم.... حالا تولد

هشت هزارمین شماره‌مان را جشن می‌گیریم، با کوله باری از تجربه و آموختن از تمام آن باید‌ها و نیاید‌هایی که در همه این سال‌ها پشت سر گذاشتیم... ما در هر بوران، اما تاب آوردیم و کم نیاوردیم، روزهای زیادی طاقت‌مان طاق شد، اما بی طاقت نشدیم، چون باور داشتیم و باور داریم که باید «ماند» و «ماندگار»

شد، باید چراغ روزنامه‌ها را روشن نگه داریم. ما در این شماره به بهانه هشت هزارمین روز تولدمان با ۶ پیشکش‌سوت روزنامه‌نگاری به گفت‌وگو نشستیم. با آنهایی که در این سال‌ها با ما، در «ایران» بودند، جنس‌شان شبیه مخاطبان‌شان بود و دغدغه و عشق‌شان به روزنامه‌نگاری هیچ وقت خاطرشان را از روزنامه‌ها پاک نکرد.

مجید رضائیان عنوان کرد:

«ایران»، اولین روزنامه‌ای که گزارش را بر خبر ترجیح داد

همه قرار بگیرید؟ ولی هنوز هم اگر خبر مهمی باشد مردم به یک پاراگراف قناعت نمی‌کنند مثلا در مورد بگرام یا تحریم‌ها که خبرهای پر اهمیتی هستند، مردم با یک پاراگراف قانع نمی‌شوند. الان رسانه‌های دیجیتال بیشتر در اختیار مردم است و در موبایل‌شان اخبار را می‌بینند، برای همین است که رسانه‌های دیجیتال مورد استقبال قرار گرفته است. این پیشکش‌سوت مطبوعات با اشاره به خطر فیک‌نیوزها می‌گوید: یکسری رسانه‌های دیجیتال رسمی هستند مجوز گرفته‌اند و مطالبشان را نشر می‌دهند، رسانه‌هایی هم هستند که بدون مجوز هستند و هر خبر و مطلبی را منتشر می‌کنند و ممکن است بازدیدکننده‌های زیادی هم داشته باشند اینها به فیک‌نیوز شهرت پیدا کرده‌اند و متأسفانه نظارتی هم روی آنها نیست، در حالی که رسانه‌های مجوزدار هر چیزی را نمی‌توانند منتشر کنند و باید خبر دقیق را منتشر کنند.

وی در پایان با بیان اینکه روزنامه‌های کاغذی اگر محتوای خوب تولید کنند و دقیق باشند می‌توانند دوران شکوفایی مطبوعات کاغذی را زنده کنند، می‌گوید: اگر مطالب پرمحتوا نوشته شود، دقیق باشد، بی طرفانه قضاوت کرده باشد یا اگر طرفداری هم می‌کند موضع صریح، دقیق و اصولی در آن مطرح شده باشد و انصاف را رعایت کند، مطمئن باشید مورد اقبال قرار می‌گیرد و خواه ناخواه می‌تواند مخاطب را جذب نماید. اگر خبر غیرمنصفانه‌ای باشد مثلاً روزنامه وابسته به شهرداری وقتی مردم به خیابان می‌روند می‌بیند آسفالت خراب است، روزنامه بنویسد همه خیابان‌ها بهترین آسفالت را دارند خب مخاطب را از دست می‌دهیم.

حتی اگر طرفداری هم می‌خواهیم بکنیم، نباید از جانب انصاف خارج شویم واصطلاحا غلط را درست جلوه بدهیم؛ در این صورت مردم از رسانه‌ها حتماً استقبال خواهند کرد.

وقتی از بازنشستگی با این پیشکش‌سوت مطبوعات سخن می‌گویم، می‌خندد و می‌گوید: بازنشستگی برای ما معنایی ندارد، من هنوز هم به صورت مشاوره‌ای در زمینه خبر و روابط عمومی کار می‌کنم. شاید در کارهای اداری و مشاغل دیگر بازنشستگی معنا نداشته باشد ولی کار خبر، عشق است و برای عشق هیچ وقت پایانی نمی‌توان در نظر گرفت.

و صفحه «آیینه» نام گرفت، زیرا در آن به نظرات مردم نسبت به دولت و بالعکس پرداخته می‌شد، به تعبیری آینه‌ای بود که مردم می‌توانستند شاهد فعالیت‌های دولت در آن باشند. در سایر صفحات نیز اخبار روزنامه دولت هر کدام در صفحه مخصوص خود ارائه شدند و تعریف خاص خود را پیدا کردند، همچنین نیازهای مردم نسبت به دستگاه‌ها هم منعکس شدند. صفحه آخر هم کاملاً خواندنی و متفاوت شد. روش انتخابی روزنامه نیز خبری - گزارشی بود، به نوعی می‌توان ادعان داشت، برای بار نخست بود که در روزنامه‌ای گزارش بر خبر ترجیح داده شد.

او با بیان اینکه در زمان تأسیس روزنامه، هنوز اینترنت با سرعت حالا، همگانی نشده بود، می‌گوید: با نبود اینترنت در آن زمان، سختی صفحه‌بندی هم کار شاق و سختی بود. با این همه در طراحی و اجرای روزنامه دولت، کار تازه‌ای به انجام رسید و «ایران» شد یک روزنامه بر روشی جدید. در سرویس‌های روزنامه، پیگیری‌های خبری انجام می‌شد، به گونه‌ای که برای حوادث و اجتماعی تعریف دیگری کردیم و سرویس‌های مستقلی با عناوین سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل را از سایر سرویس‌ها جدا کردیم. در بخش حوادث هم سعی می‌شد که اخبار شیرین هم داشته باشیم، کاری که کمتر روزنامه‌ای تا آن زمان انجام می‌داد، به عنوان مثال خبرهای شیرینی مانند آزادی زندانیان دیه و نمونه‌هایی مشابه آن را در صفحات حوادث می‌گنجاندیم.

«روزنامه دولت باید روزنامه‌ای ملی و فراگیر باشد»، دکتر رضائیان با بیان این مطلب، می‌افزاید: برای تعیین اسم روزنامه،



که ماندگاری در آن وجود ندارد و با کوچک‌ترین خللی در برق یا اینترنت دیگر به دانش بارگذاری شده در این دنیای مجازی دسترسی نداریم، اما یک نوشته مکتوب سال‌های سال باقی می‌ماند و نسل به نسل منتقل می‌شود و درگیر تکنولوژی‌های روز نیست که ممکن است روزی باشد و روز دیگر نه. حالا بازمی‌گردیم به خاطرات روزنامه‌نگاری. می‌پرسم، طی سال‌هایی که در حوزه رسانه فعالیت داشتید آیا خاطراتی برایتان ماندگار شده است، او می‌گوید: روزنامه‌نگاری با وجدان و احساس عمومی و هر چیزی که وجدان و احساس عمومی را غمگین یا شاد سازد، گره خورده و روزنامه‌نگار در رأس آن تحت تأثیر

همش به تلفن وصل می‌شوی، حال اگر همین فرد یک کتاب یا روزنامه در دست داشته باشد مورد تحسین و تشویق اطرافیان قرار خواهد گرفت. او که انتقادات زیادی به عادت مردم به فضای مجازی دارد، ادامه می‌دهد: یکی از آفات فضای مجازی این است که حوصله خواندن مطلب بلند را از افراد گرفته و مخاطبان را چند خطی کرده است. حقیقتاً نمی‌شود در چند خط موضوعی را با علت و معلولش بیان کرد و اگر می‌خواهیم موضوعی را عمقی دریا بایم باید به دنبال چرا و چگونگی آن باشیم که در دنیای مجازی نمی‌شود این دو عنصر را یافت. تعریفم از فضای مجازی یعنی نوشتن بر آب

کارشناسان، موضوع روز را با تحلیل و بررسی برای مخاطب به ساده‌ترین شکل ممکن شرح می‌دهند. حال دو نفر، یکی متکی به فضای مجازی و اطلاعات چند خطی و دیگری روزنامه‌خوان را در نظر بگیرید؛ وقتی از آنها در رابطه با آن آشوب در عراق سؤال شود، فکر می‌کنید کدام‌یک می‌تواند بهتر درباره موضوع صحبت کند؟! اینجاست که رسانه‌های مکتوب اهمیت خود را نسبت به پوچ بودن فضای مجازی هویدا می‌سازد. حتی در درون خانواده هم نگاه خوبی به فضای مجازی نیست، هنگامی که یکی از اعضای خانواده در تلفن همراه مطلبی را می‌خواند همه به او معترض می‌شوند و می‌گویند چرا

بهبود بهزادی:

روزنامه ایران خانه اول من است

اکرم رضایی ثانی، بهبود بهزادی از پیشکسوتان حوزه روزنامه‌نگاری است. او سال ۱۳۲۴در سمنان به دنیا آمد. از ۴۰ سال پیش روزنامه‌نگاری را آغاز کرد. او کارش را با سرویس حوادث شروع کرد. وی در مصاحبه‌ای گفته است: «از اینکه ابتدا کارم را از سرویس حوادث شروع کردم بسیار خوشحالم چون این سرویس، روزنامه‌نگار را پخته می‌کند. از همان موقع کار مطبوعاتی‌ام را رسماً شروع کردم.» بهزادی از سال ۷۳ به مدت ۷ سال در روزنامه ایران سردبیر اجرایی بود. یک سال هم به عنوان سردبیر روزنامه ایران دبلی که به زبان انگلیسی منتشر می‌شد، کار کرد. با او که از بانزشتگان روزنامه ایران است، به مناسبت چاپ شماره هشت هزار به گفت‌وگو نشستیم.

این پیشکش‌سوت حرف‌های خود را اینگونه آغاز می‌کند: من از آغاز شروع به کار روزنامه و اولین فعالیت‌های آن با روزنامه ایران بودم و در واقع تحریریه در دست من بود، همچنین یک مدتی سردبیر اجرایی بودم و تا روزی که از آنجا رفتم، تحریریه را اداره می‌کردم. در سال‌های ۷۹-۷۸ آقای دکتر وردی‌نژاد که از روزنامه رفت، گروهی هم رفتند که من نیز از آنها بودم.

وی در ادامه بیان کرد: در تمام این سال‌ها تمام تیرهای اول را من می‌زدم و سعی می‌کردم تیرها جذاب باشند تا هم مردم آن را ببینند و هم اصل و محتوای دقیق و درست خبر را به آنها برساند. طبیعتاً در آن سال‌ها فضای مجازی نبود از این روزنامه‌ها تیراژ بالایی داشتند و به این ترتیب در جامعه و میان مردم و دولت تأثیرگذار بودند.

سردبیر اجرایی اسبق روزنامه ایران در پاسخ به این سؤال که با توجه به توسعه فضای مجازی آیا جایگاه روزنامه و رسانه مکتوب تفاوتی کرده است، گفت: به عقیده من هر یک از رسانه‌های مکتوب و مجازی جایگاه خودشان را دارند ولی برای رسانه‌های مکتوب یکسری اتفاقات رخ داد که ای کاش نمی‌افتاد. ارتباط رسانه‌های مکتوب با جامعه کمتر شده و رسانه‌های مکتوب بیشتر مسائل دولت را بیان می‌کردند و حتی در بخشی از زمان جانشین احزاب شدند و اغلب به شکل سیاسی بودند. در نتیجه مردم، رسانه‌های مکتوب، رسانه خبررسان، نظررسان و محلی که بتواند به آن اعتنا کنند و خوراک خبری و نظری از آن بگیرند کنار گذاشتند و در همین حین فضای مجازی آمد که جاذبه بالایی داشت. علاوه بر اینکه فضای مجازی جاذبه داشت اخبار را هم با سرعت به مردم منتقل می‌کرد ولی به عقیده من رسانه‌ها در مواجهه با فضای مجازی عقب‌نشینی نکردند اما نتوانستند محصول جدیدی به مردم ارائه بدهند، و این موجب کاهش تیراژ روزنامه‌ها شد البته که در عین حال، هم روزنامه در چاپخانه چاپ می‌شد و هم اخبار در فضای مجازی به چاپ می‌رسید.

بهزادی در ادامه افزود: به عقیده من روزنامه کاغذی خواننده خودش را دارد. بسیاری از افراد هنوز دوست دارند بوی کاغذ و لطافت روزنامه کاغذی را حس کنند اما در این میان آن اتفاقی که خوشایند نبود افتاد و آن هم شیوع ویروس کرونا بود که به واسطه آن مردم از روزنامه کاغذی کاملاً جدا شدند. زیرا آن زمان گفتند کرونا از طریق سطوح و دست‌ها منتقل می‌شود در نتیجه مردم دیگر روزنامه نخریدند و عادت کیوسک رفتن از سر مردم افتاد. از طرفی ما جامعه‌ای بودیم که مطبوعات و روزنامه‌ها به طور مستقیم به مردم اشتراک نمی‌داد، مثلاً در کشوری مانند ژاپن روزنامه به منازل افراد می‌رسد، اما در کشور ما روزنامه به طور مستقیم در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد، همچنین تغییر فضا به سمت اینترنت یکی از علل اصلی بود.

این پیشکش‌سوت روزنامه‌نگاری با اشاره به خاطرات خود از روزهای فعالیتش در روزنامه ایران بیان کرد: همه شب‌هایی که در روزنامه در کنار گرافیس‌ها شاهد بستن صفحات روزنامه بودیم خاطره‌ای شیرین بود. این رویه برای من به گونه‌ای خاطره شده بود که گویی یک ساختمان ساخته‌ام و از دور آن را تماشا می‌کنم. من از این کار لذت می‌بردم و اکنون که مدیر مسئول روزنامه اعتماد هستم همین کار را می‌کنم و از آن لذت می‌برم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا بازنشستگی برای یک روزنامه‌نگار تعریفی دارد، گفت: خبر، بازنشستگی در این حوزه تعریفی ندارد. روزنامه‌نگارهای بزرگ دنیا یک اصطلاحی دارند و آن این است که «روزنامه‌نگار از پشت میزش باید به کوهستان برود»، یعنی تا لحظه آخر عمرش باید کار کند. روزنامه یک اداره نیست و معجونی است از هنر، عشق و علاقه. روزنامه‌نگاران خارجی معتقدند روزنامه‌نگاری همچون ویروس است و در بدن یک خبرنگار است که نمی‌تواند به راحتی از آن جدا شود یا دل بکند. شخص روزنامه‌نگار احساسی می‌کند با فعالیتش با یک جماعتی هم یادداشت‌هایی را می‌نویسم که بعضاً در فضای مجازی منتشر می‌شود و در همانجا هم لایک می‌خورد و از سوی مردم تأیید می‌شود، پس روزنامه تیراژ خود را به صورت یک شکل دیگری دارد.

وی در پایان بیان کرد: خوشحالم که روزنامه ایران به شماره هشت هزار خود رسیده زیرا این روزنامه خانه اول من است و زحمات زیادی در آنجا کشیدم.

من تحریریه‌ای ساختم که به قول فردوسی از باد و باران نیابند گزند. تلاش کردم یک فرهنگ، عشق و علاقه ایجاد کنم.

در آنجا خبرنگاران گروهی شدند که بتوانند به جامعه رسانه خدمت کنند و اکنون برای روزنامه ایران خوشحالم و چاپ هشت هزارمین شماره روزنامه ایران را تبریک می‌گویم.

